

مژگان

دنیا را زیر و رو کرد!

ناهدید حسن پور

نویسنده



چندین بار طرح جلدش را برای معرفی و خبر چاپ و... توی استوری هادیده بودم. از داستانش خبر نداشتم، اما عنوانش که می‌گفت این کتاب، روایت یک زندگی عاشقانه است، از همان‌هایی که زن و مرد به سختی به هم رسیده‌اند؛ یکی از این سر دنیا و یکی آن سر دنیا. یا مثلاً از زندگی گفته که اولش همه چیز آرام و رمانتیک و عاشقانه است اما بعد به بهانه‌ای مثل جنگ یا کار خانم و آقا از هم دور افتاده‌اند. باقلب کوچک روی جلد، بیشتر تایید می‌کردم تصورات خودم را برای خودم. کم‌کم گذشت. از همان استوری‌ها ماچرا را شنیدم. عاشقانه بود. اما دیگر نه! حالا دیگر عشقی نیست؛ نه این‌که نباشد یا فکر کنید عشق گمشده باشد، نه! حکایت شیرین و فرهاد دیگر نیست! دختری جوان، دانشجو و فعال با پسری... خوب این که می‌شود همان عشق لیلی و مجنون. از بعدش بخواهم بگویم، می‌شود چالش‌ها و بالا و پایین شدن زندگی مشترک که همه جاهم مشترک است؛ در همه زندگی‌ها، یکی در شیب رفتش زیاد هست و یکی در سرازیری برگشتش. از آخر داستان می‌گویم؛ از جایی که مادری خواسته یا ناخواسته، با تقدیر یا اجبار تن به جدایی می‌دهد. جدایی از وطن، جدایی از مذهب، جدایی از زندگی و جدایی از فرزند. طلاق تلخ است اما جدایی از فرزند، تلخ‌تر.



«مراپیداکن» شرح حال مادری است که روزهای شیرین زندگی مشترک را مثل خیلی از دختران ایرانی شروع کرده، با سادگی، با عشق و با تصمیم بر این که می‌سازم و می‌سازم. با گذشت و چشم‌پوشی و همراهی و همدلی، پایه‌های زندگی آمد جلو. زخم خیانت از دوستش به روح زده شد، ولی باز هم برای زندگی‌اش تلاش کرد. مشکلات شخصیتی همسرش را دید و با هم ساخت؛ همراهش شد و... مژگان امید داشت به آینده. وجود پسرش، بدرامید را در دلش نگه داشت و گرنه... همین امید، روزهای تلخ زندگی در هند را برایش شیرین کرد. حتما شنیده‌اید فلانی دنیا را زیر و رو می‌کند؛ مصداقش را می‌شود در این کتاب دید. راوی داستان، مژگان این کار را کرد. برای بودن و نفس کشیدن کنار محمد ابراهیمش. می‌خواست قد کشیدن پسرش را ببیند، رشد و پیشرفتش را. اما نشد. نگذاشتند. و حالا قصه پر غصه روزهای دل‌تنگی و جدایی‌اش در این کتاب به امانت مانده است تا روزی که نجوای درونش به گوش جهان برسد، مراپیداکن. جهان برای او، یعنی پسرش. کتاب را معصومه راهم‌رمزی نوشته. قلمش ساده و بیانش شیواست. از بیان جزئیات مشخص است که همه جا و هر لحظه همراه راوی کتاب بوده است.

نگاهی به کتاب «سرزمین خارج از نقشه» که زندگی «عزیز محمدی منش» را تعریف کرده است

روایت زندگی یک معلم متفاوت



تلویزیونی، مستند و... که انجام شده است، نتوانسته‌اند ابعاد مختلف زندگی و کارهای عزیز را نشان دهند و تبیین کنند. یقین پیدا کردم که تنها انتشار کتاب است که می‌تواند حق مطلب را ادا کند. ساختار و اسلوب کتاب، یک ماهی فکرم را به خودش مشغول کرده بود اما از نهایه شدن ساختار تا عملی شدن آن فاصله زیادی نشد. ارتباط مداوم و مستمری با عزیز داشتم و همه چیز در ذهنم بود. بدین ترتیب با سفر عزیز به تهران، اولین مصاحبه را در مرداد ۱۳۹۴ شروع کردیم.



مرداد ۱۳۸۷، به

صورت اتفاقی

با کسی تلفنی

صحبت کردم که

دیگر ارتباطم با او

قطع نشد. آشنایی

اتفاقی من با عزیز

محمدی منش به

اتفاق خوبی منجر

شد که انتشار

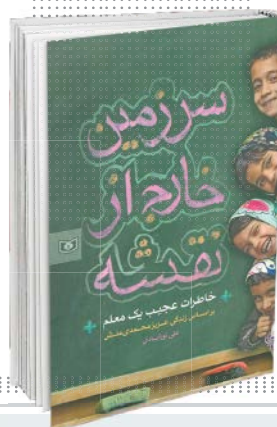
همین کتاب است

۶۰ ساعت گفت‌وگو

در مجموع بیش از ۶۰ ساعت با عزیز گفت‌وگو کردم. بین جلسات گفت‌وگوها گاه یک، دو، سه و چهار ماه فاصله می‌افتاد که در این مدت نواها پیاده و تدوین می‌شد. همچنین حدود ۳۵ ساعت مصاحبه‌هایی که برای گزارش‌های رادیویی بین سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۴ از او گرفته بودم، پیاده و از آنها برای کتاب استفاده شد.

هم خوب؛ هم سخت

گفت‌وگو با عزیز، هم خوب بود و هم سخت. خوب بود چون عزیز حافظه قوی و بیان رسا و گیرایی داشت. با وجود گذشت ۱۴ - ۱۵ سال، او حتی خاطرات اولین روز معلمی‌اش را هم با جزئیات کامل به یاد داشت و تعریف می‌کرد. اما از طرف دیگر ذهن و تخیل وحشی عزیز کار را سخت می‌کرد. مدام باید کنترلش می‌کردم تا از مسیر گفت‌وگو خارج نشود. با همه این دقت‌ها اما عزیز غیر قابل کنترل بود. به همین علت، خاطرات کمی پراکنده و جا به جاییان می‌شد و این مسأله تدوین و بازنویسی آنها را مشکل‌تر می‌کرد اما خداوند کمک کرد و با صبر و حوصله و سخت‌کوشی، کتاب به نتیجه رسید. پس از نگارش کتاب هم عزیز دو بار آن را خواند. برخی جاها خاطرات تکمیل و پیشنهادات و اشکالات موجود در کتاب نیز با همفکری و مشورت یکدیگر بررسی و اصلاح شد. در نهایت این کتاب، بیان عزیز است و قلم من.



نامزدی جایزه جلال در دوره دوازدهم

کتاب سرزمین خارج از نقشه در شانزده فصل تدوین شده است. بخش‌هایی از کتاب، به زندگی عزیز محمدی منش، معلم عشایری اشاره دارد و بخش‌هایی دیگر به نحوه فعالیت او می‌پردازد. این کتاب را انتشارات قدیانی با شمارگان ۷۷۰ نسخه، در قطع رقعی و با قیمت ۱۱۰ هزار تومان در نوبت دوم منتشر کرده است.

این کتاب به داوری مرتضی سرهنگی، ساسان ناطق و میثم امیری به مرحله نهایی دوازدهمین دوره جایزه ادبی جلال آل احمد نیز راه پیدا کرد و در بخش مستندنگاری، نامزد شد. راوی کتاب «سرزمین خارج از نقشه» روال جالبی دارد که طبق آن با خودش شرط کرده یک روستا را کشف کند و سال اول آنجا خودش درس می‌دهد که ارتباط آنجا را با آموزش و پرورش استان برقرار می‌کند و سال بعدش یک معلم دیگری را به جای خودش در روستا می‌گذارد و به روستای بعدی می‌آید و او را به جای خودش می‌گذارد.

